به نام خدا

"مصاحبه با رزمنده دوم"

محل مصاحبه:منزل شخصی

تاریخ زمان مصاحبه:22/9/1393

مصاحبه شونده:زینب رنجبر

سن:50

جنس:مرد

شغل:کارشناسی ادبیات فارسی

پایگاه اقتصادی اجتماعی:متوسط

**1-به عنوان سوال ابتدایی،میخواستم نحوه آشنایی و ورود خود را به دفاع مقدس شرح دهید؛درچه برهه ای از زندگی خود ودر چه شرایطی و تحت تاثیرچه عواملی وارد جنگ شدید؟**

این حقیر 17 سالگی خدا به من توفیق داده است در حد احساس وظیفهکه همه تکلیف داشتند در جنگ مبارزه با باطل و در اینجا دیگر سن ملاک نبود و مهمترین انگیزه بنده مبارزه باطل بوده است چون ما تمام دشمن مقابلمان رو کفر می دیدیم و چون پایه ی حاکمیت آن تمامش جور و ظلم بوده است و با پشتوانه ی استکبارات جهانی چون امریکا و ... بودند ولی ما پشتوانه مون ولایت فقیه و رهبری بوده است.

**2-آموزش مقدماتی خود را در چه شرایطی گذراندید؟آیا پیش تر سربازی رفته بودید؟**

بله .ما آموزش بسیجی داشته ایم حدود یک ماه در پادگان مرزن آباد داشته ایم و بعد اعزام شده ایم

**3-تصورشمانسبت به جنگ،پس از ورودتان به نبرد تا چه اندازه تغییرکرد؟**

چون سن بنده پایین بوده تصورم فقط حد صدا و سیما بوده است که مشاهده می کردم و صدا و سیما مستندهای روایت فتح رو که نشان می دادند ، بنده با اینکه سن کمی داشتم بنده سعی می کردم نگاه بکنم و اون رزمنده هایی که شور و حماسه داشتند ، بنده هم مجذوب شدم و در بنده هم یک شور و اشتیاقی به وجود آمد. و حقیر در سن پایین تر عضو پایگاه بسیج بودم و چون خودم یک بسیجی نوجوان بودم یک مقدار تصویری در ذهنم بود که وقتی کسی لباس بسیجی کسی می پوشد برای چه کاری می پوشد و در خاطرم اینطور گنجانیده می شد چرا دوستانم رفتن به جبهه ولی من نرفتم و همین تصور باعث شد که بنده اشتیاق به جبهه رفتن در من افزایش یابد.

**4-تصور شما نسبت به جنگ؟**

تصوری که قبلا در دوران جنگ داشتیم با این دید بود که شور حماسی بود ولی امروز می گوییم مقدس هست.چرا؟ چون در دفاع ما اون موقع میگفتیم باید ما دشمن رو از خاک مون بیرون کنیم و نبای دتو خاک ما باشد ولی امروزه می گوییم کار ما مقدس بود، پس دو نگاه الان وجود دارد.یعنی نگاهی که الان وجود دارد با نگاه معرفتی بالاتری هست ولی اون موقع ما یک نگاه حماسی داشتیم (البته بنده سایرین هم ممکن بود هر دو نگاه را داشته باشند) ، ولی نگاه بنده حماسی بود ، یعنی یا با سر برم با سر برگردم یا با سر برم بی سر برگردم

**به نظرتون جنگ اجتناب ناپذیر بود؟**

در اون شرایط بله.چرا؟چون اونها با تمام قوا اومدند مارو ازبین ببرند و ما جنگ نکردیم بلکه دفاع کردیم.یعنی اگر کسی به حریم خانه ی ما حمله بکند ما دست به روی دست خودمون می گزاریم و هیچ کاری نمی کنیم به نظر شما؟ قطعا باید دفاع بکنیم از حریم خانه ی خودمون.

و حریم خانه ی ما مرز خاکی و آبی کشور ما بود و ما اومدیم تا دفاع کنیم از تجاورز بیگانگان. و این دفاع اجتناب ناپذیر بود و نمی تونستیم از حریم مون دفاع نکنیم.

**5-چه مدت را در میدان نبرد بودید؟چه مدتی را درخط مقدم بودید؟در چه عملیات هایی شرکت داشتید؟آیا در جنگ مجروحیت هم داشته اید؟**

حدود 7 ماه در در دو نوبت و یک نوبت از سپاه اعزام شدم که با آموزشی حدود 9 ماه می شد-در مرحله دوم اعزامم تو عملیات والفجر 4 شرکت داشتم و اون عملیاتم علملیات بسیاری موفقیت آمیزی بود در مناطق کوهستانی مریوان بودیم و در همون عملیات بنده توسط خمپاره های دشمن موج انفجارنصیب ما شد و مجروح شدم

**5-تبلیغات جنگ درآن برهه زمانی را چگونه ارزیابی می کنید؟**

مارش های جنگی که زده می شد و یا مداحی های برای تجیلیل و تحریک مردم به جنگ در رسانه پخش می شد مردم را به شرکت در جنگ دعوت میکرد و از طرفی شرعی بودن اعلام حضور در جنگ که مردم رغبت به شرکت در جنگ داشتند، یعنی حضرت امام رحل (ره) فرموده بودند که جبهه واجب کفایی است ، مردم احساس حتی واجب عینی هم میکردند و میگفتند اگر امام فرمودند واجب کفایی هست شاید حتی واجب عینی هم باشد و احساس تکلیف میکردند، کسی که دانشجو بود درسش را رها میکرد و کسی کارمند بود کارش رو رها میکردو... هرکسی به نوعی احساس تکلیف میکرد و اون تبلیغات بخاطر اون وجه شرعی اش بود . تبلغاتها تبلیغاتهای کزایی نبود

**6-به نظر شما،درآن برهه زمانی مردم عادی تصوری واقعی از جنگ داشتند؟**

کمتر پیش می اومد این چنین باشه.بعضی ها جنگ رو هدر رفتن و کشته شدن تلقی میکردند و چون این دیدگاه رو داشتند تصوری از جنگ نداشتند و چون به شهادت اعتقادی نداشتند و جانبازی اعقاد نداشتند نمی توانستند تصویر واقعی از جنگ داشته باشند.ولی اگر تصور واقعی از جنگ رو همه اقشار جامعه می داشتند ما تو جنگ کمتر مشکل می داشتیم.افرادی بودند که وقتی رزمندگان رو می دیدند و حرکت میکردند به سمت جنگ این طور می گفتند که اینها بخاطر پول و اومدال دارند میرند بجنگند و خوب اینها تصویر درستی از جنگ نداشتند.تو جنگ به رزمندگان حدود 1200 تومان حقوق می دادند و رزمندگانی داشتیم این مبلغ ناچیز رو از دولت نمی گرفتند و می بخشیدند.آیا اینا برای پول می رفتند می جنگیدند؟

بعضی ها اگر اگر این مبلغ رو می گرفتند هدیه می کردند برای خرج رزمندگان داخل جبهه..

حالا این ایثارگری ها رو باید کجا تعریف کرد؟

**7-اگر بخواهید تفاوت یک روز از زندگی امروز خود را با یک روز زندگی در جنگ مقایسه کنید،به چه مواردی اشاره خواهید کرد؟**

در اون دوره قناعت ، ساده زیستی خیلی بیشتر بوده و مردم با هم یک رنگ بودند و وحدت ربیعه بود.و ارتباطات شون بیشتر بود ولی امروز همه چند رنگ شدند و به هم دیگر اعتنایی ندارند و خط هم دیگه رو نمی خونندو...

قبلا در باب اجتماعی و اقتصادی با اینکه جنگ بود مشکلات کمتری داشتیمولی امروزه بالعکس شده.چرا؟ چون امروزه مردم به رفاعیات بیشتر توجه کردند ولی اون موقع با یک سقف دو اتاقی قناعت می کردند ولی قبلا حتی اگر کسی اگر عروسی هم میخواست بگیره قناعت می کرد و می گفت ما تو جنگ هستیم و هزینه رو قناعتکنیم.

**8-آیا آن دوره زمانی راعصری طلایی قلمداد میکنید؟اگر آری از چه لحاظ؟اگر نه،کدام دوره که شما تجربه کرده اید عصری طلایی بوده؟**

بنده همه عصرها رو عصر طلایی می دانم.فقط یک موقعی هست که ما ساده زیستی رو پیشه خودمون میکنیم و راه نورانی خدا رو پیش می گیریم.پس همه عصرها عصر طلایی هست.اما وقتی زمان تغییر پیدا بکنه برای من (بنده با خودم هستم) ، اگر بگم اون موقع با خدا بودم الان بی خدا شدم ، بله اون عصر عصر طلایی بود.ولی امروز من فک میکنم که راه رو باید پیدا کرد.سعاده الی المغفره همین است.

اونایی که راه منفی رو حرکت میکردند چه اون عصر و چه این عصر، عصر ظلمت شون بوده است ولی اونایی که راه خدا رو در پیش بگیرند هم اون عصر براشون عصر طلایی بود هم این عصر براشون عصر طلایی هست.اون موقع امام راحل بوده ولی امروز مقام معظم رهبری هست و چون انسان زیر چتر ولایت فقیه هست هر رو عصر برایش عصر طلایی هست

**10-به نظر شمارسانه ها در ارائه روایت از جنگ تا چه اندازه واقعی و عادلانه برخورد کرده و میکنند؟**

فیلم ها هیچ وقت نمی تونه به درستی ترسیم کننده واقعیتها باشد و یک شمایی جزیی رو میتونه به تصویر بکشد.بعنوان مثال در پادگان دوکوهه ، محلی هست که در جنگ همه نیروهای بسیجی اونجا سازماندهی می شدند و بعد از دو سه ماه از اونجا به سمت محور عملیاتی ها اعزام می شدند.گاهی هم این طور بود که 6 ماه اونجا بودند تا اعزام بشوند به مناطق ، و تو این مدترزمندگان بدون هیچ درگیری با هم کنار می اومدند.ایا به نظر شما رسانه ها می تونند این موضوع تفهیم کنند بین مردم که شش ماه تو یک منطقه منتظر باشه تا اعزام بشود به محورهای عملیاتی؟ تو این مدت همه می اومدند کفشهای همدیگر رو واکس می زدند و لباس همدیگر رو می شستند و... و همین رزمنده شاید تو خونه اش غذای آش رو هم نمی خورد ولی اونجا با بدترین غذاها کنار می اومد. به نطر شما کجا شده رسانه ها در این باب فیلمی تهیه کنند؟.

البته فیلم هایی که تهیه شد فیلم های بدی نبوده ولی ذهنیت نسبی از جنگ رو به ما یاد آور می کرد ولی به نطر بنده کامل و جامع نبود.ولی یک فیلمی بنام خوش رکاب بود به نظرم با اینکه با طنز بود ولی بنظرم یک مقداری شباهتی داشت.و طر حرکات و سکنات شون با رزمندگان داخل جنگ شباهت بیشتری داشت.

**11-نظرشما نسبت به یادبودها و یادمان های جنگ چیست؟آیا آن ها را به شکل برگزارشده فعلی لازم و مفید می بینید؟**

بسیار خوب هست.این یادمان ها تا حدودی مردم رو آگاه می کند ولی اگر در این جلسات از سخنورانی استفاده بشود که داغدیده های جنگ باشند خوب و موثر هست.که امرزوه سخنرانانی که در یادمان ها استفاده میشوند اکثرا افرادی هستند از جنگ هیچ اطلاع کاملی ندارند وشرکت کننده های آنها اکثرا افرادی هستند که از نسل حاضر نیستند.به نظر بنده یادمان ها باید بیشتر به واقعیت شبیه باشد و یک منطقه ای رو شبیه سازی بکنند به دوران جنگ تا بهتر تو تصورات مردم جای بگیرد.و ماکت هایی را طراحی کنند تا برای مردم جذاب تر باشد و بهتر شرایط جنگ را درک کنند.ولی یادواره ما الان این طور شده یک سخنرانی که اصلا جنگ رو ندیده میاد سخنرانی میکنه و اکثرا هم صحبت هاشون خارج شهدا و رشادت های جنگ تحمیلی هست.و این رو باید سپاه، سازمان تبلیغات و ارگانهای دیگر تو بحث کشف کردن سخنرانانی که سینه سوخته های جنگ بودند دقت کنند.چون تو جنگ این طور بوده که اگر یک فرمانده خوش سخنی صحبت میکرد بسیجیانی مثل بنده حاضر بودیم جان مون رو فدا کنیم.و ما می گفتیم ما بریم ما بریم.اون موقع ما بریم ما بریم بود.

**12-روند تجلیل،ستایش و آرمانی شدن ارزش های جنگ را در طی سالیان پس از جنگ چگونه ارزیابی می نمائید؟اگر نقصانی در این زمینه وجود داردمقصرکیست؟نسل متولد شده پس از جنگ؟نهادهای مربوطه نظیرسازمان تبلیغات اسلامی و...؟نسل جنگ رفته که تلاش زیادی در جهت اشاعه این ارزش نکرده اند؟**

کمتر.یعنی وقت نمی ذارن وفقط این برنامه هارو فقط سپاه میزاره در صورتیکه باید فراگیر باشد.رسانه ها اصلا کاری نمی کنند البنه من نمی خواهم عیب بگیرم شما ببینید مثلا رسانه ملی برای یک رئیس جمهور که یک خدمتی کرد مثل احمدی نژاد یا یک دانشمند علمی کاری کرد یک مجلس می گیرند و بزرگ اما برای اونایی که رشادت می کردند اون سرداران که خودشونو به اب و اتیش زدند رزمنده های هستند که همگان الان شما کجا دیدید که از اینا تحلیل بشه فقط در هفته دفاع مقدس میان خوزستان برنامه می گیرند این کافی نیست.اون چیزی که رهبری معظم انقلای میگیرد مردم بعضیا متاسفانه جنگ رو تو سال 70به بعد خشنونت طلب معرفی کردند چرا چون تجلیل نشد یک رئیس جمهور اومد یک حرکتی کوچک کرد اما کافی نیست رهبر هرسال میاد عرض میکنه که دفاع مقدس رو خوب ترسیم کنید.دفاع مقدس بود وقتی میگن دفاع مقدسبعضیا فقط فکر میکنن فقط یک کلمع است و تموم شد و رفت و رفت ولی نه فقط مقدس بود چون رزمنده ها با دعا و نماز هرشب ارتباط داشتند با قران ارتباط داشتند فقط با اشک و آه بود وقتی حرکت می کردند با حضرت زهرا متوسل بود این رمنده ها با این عرفان زود رس طلایی زحمت میکشه 40سال بعد یک عارف زحمت زحمت میکشه اما یه شبه یه شهیدی به عرفان الهی میرسه و جانشو فدای خداد میکنه این مقدس نیست؟؟؟؟

**13-آیاارزش های جنگ در جهان امروز کاربرد دارند؟آیا ارزش های جنگ رو به محو شدن هستند؟آیا جنگ را باید فراموش کرد؟آیا کاری در قبال فراموشی آن می شود کاری کرد؟چگونه می شودارزش های آن دوران را به لحاظ اخلاقی برای جامعه امروز بازسازی کرد؟مسئولیت نسل های آینده در قبال جنگ چیست؟**

اگر بخوایم ساده زیستی و قناعت و محبت رو بگیم بله.ولی اگر بخوایم نوع زندگی در شرایط جنگ را امروزه پیاده بکنیم مهال میباشد.چون نسل معاصر طاقت سختی های گذشته رو ندارد.اما رفتارها رو می توانیم داشته باشیم.اگراون چرا که در ابتدای عرایضم گفتم مورد توجه قرار بگیرد و آنچه که رهبریت انقلاب اسلامی دنبالش هست و تمام مسئولین بیان این رو در بین مردم از طریق هنر ، گویندگان ، رسانه و... بیان بگن تا فراموش نشه.و فقط طوری نباشد اون یک هفته دفاع مقدس رو تجدید خاطره بشود و بعد بگیم خداحافظ .... و طبق فرمایشان مقام معظم رهبری شما باید همیشه آماده باشید برای دفاع و جنگ با باطل.این مضمون صحبتهای حضرت آقا یعنی اینکه شور و انگیزه ی حسینی باید در همه حال باشد و دشمنان ما از این آمادگی ما بسیجیان و ارتشیان و سپاهیان ترس و واهمه دارند . وگرنه اگر ترسی نداشتند تا به حال به قصد جنگ به کشور ما حمله می کردند.امروز بعضی از این سیاستمداران خوش فکر این رو گفتند که برای هر مسئول که در میز مذاکره حاضر شده است یک لشکر ایستاده شده است.پس اگر صد نفر باشند صد لشکر مقابل شون ایستاده اند.در تمام کشورها به رزمندگان خودشون احترام می گذراند و کسی جرات نداشت بهشون بی احترامی بکند.حالا سوال اینجاست که آیا بچه های ما نباید حمایت و تجلیلی بشنوند؟ هنر نمیکند اگر یک دولتی این کار رو نکند باید دست شون بگیره و کمک شون بکند.و باید حداقل رفاهیات در اختیار عزیزان رزمنده باشد تا دلش خوش باشد.که بعضی ها وقتی میخواستن برن حق شون رو بگیرند یک عده می اومدند می گفتند بهشون شما می خواستید نرید به جنگ.واکثر رزمندگان ما به دنبال امتیاز و سهم خواهی نیستند ولی اگر دولت همیچین امتیازاتی براشون قائل بشود کار بزرگی انجام نداد بلکه هنر خودش رو نشون داد.

**14-آیا باکسانی که در جنگشرکت داشته اند احساس هویت مشترک می کنید؟آیابا هم رزم های دیروزخود،امروز نیز دیداردارید؟این دیدارهادسته جمعی است یا انفرادی؟منظم یا اتفاقی؟در این دیدارها بیشتر خاطرات گذشته خود را مرور می کنید یا راجع به شرایط امروز بحث می کنید؟**

خیر-بنده لیاقتش رو ندارم.البته بعضی موقع ها پیش میاد که اینجا هستند گاهی اوقات با هم می شینیم صحبت میکنیم.ولی اغلب بچه های ما الان در قید حیات نیستند و بعضی هاشون همون موقع شهید شدند و بعضی ها هم انقدر بی حال شدند که اهل تحرک نیستند و بعضی ها هم مهاجرات کردند از شهر و امکان با هم بودن رو نداریم.و البته بعضی هاشون روهم اگر ببینم نمی شناسم شون . بعنوان مثال یک دوستی داشتیم که دانشجوی دندانپزشک بود که بعد از جنگ نتونستم پیداش کنم و سخت دنبالش هستم و چند سالی از بنده بزرگتر بود.و دوست دارم خاطراتم بنویسم ولی هنوز تصمیم به نوشتن نگرفتم زیرا که من زیاد خاطرات ندارم و می ترسم کتابم نصفه بمونه و مجبورم بشم خاطرات رو از جاهای دیگه بدزدم.

**15-آیا تصمیمی برای نوشتن خاطرات خود از جنگ دارید؟به نظرشما انتشار چنین خاطراتی چه تاثیری در جامعه امروز دارد؟آیا این خاطرات در جامعه امروز مخاطب خواهد داشت؟**

بله-خاطرات واقعا موثر هستند.بعضا پیش می اومد بنده تو سخنرانی هام خاطرات شهدا رو تعریف می کردم که بعضی از مستمعمین تحت تاثیر قرار می گرفتند و چه بسا بعضی ها گریه هم می کردند.فقط باید احساسات مردم را تحریک کرد و به موقع خاطرات رو تعریف کرد بعنوان مثال در کاروان هیا راهیان نور چون همه دلها آماده هست این خاطرات بازده خوبی دارد.

**وبه عنوان صحبت پایانی**

به همه جوانان عرض میکنم که به دنبال عافیت طلبی نباشند و دنبال رفاهیات نباشند و اگرم امر رفاهی براشون پیش اومد فقط زندگی در حد اینکه راحت باشند و عبادت الهی و شکر الهی رو انجام بدهند باشد نه اینکه خدای نا کرده کفران نعمت بکنند و تو همون بابلسر یک خانواده ای بود که پسرش چند باری رفت به جبهه و پدرش به فرزندش گفت پسرم دیگه نرو به جبهه و با مادرش مشورت کرد تا پسرش رو دست و پا گیر بکنه که به جبهه نره. ازدواج کرد و بعد اینکه بچه دار شد اومد بچه اش رو بوسید و دوباره رفت به جبهه و رفت و رفت دیگه برنگشت....

اینها به دنیا شون پشت پا زدند.اگر این روحیات و معنویات باشد انسان گل میشه.این سخن پایانی من هست که این گونه درس های جنگ و جهاد رو از رزمندگان بگیریم و همانند حضرت امیرالمومنین (ع) در جنگ هزاران زخم بر بدنش خورده شد ولی هیچ چیزی برای دنیای خودش نخواست و 25 سال خانه نشین شده است و همه عمرش برای اسلام بود.بنده به خودم میگم : اونهایی که سهم خواهی کردند درجنگ راهشون رو کج رفتند و اونایی که دنبال سهم خواهی نبودند در وصل به خدا بودند و شهدا.واگر این روحیه در بین جوانان باشد عاقبت به خیری شان حتمی میباشد و بنده مخالف رشد علیمی و رفاهی نیستم ولی این رو میگم ما رفاه زده نشیم و راه مان که همان شهدا هستند را فراموش نکنیم

از شما تشکر صمیمانه دارم به جهت وقتی که در اختیار ما قرار دادید و صحبت های ارزشمندی که مطرح نمودید